



پایگاه زیر پوشش قانونی بنیاد افراز

ماه نیز دوباره برپا شود تا در مورد همایش بزرگ دانشگاه تهران تصمیم‌هایی گرفته شود، ولی به علت نداشتن جا پایگاه نتوانست که این نشست را برگزار کند. کارهایی که پایگاه تا کنون انجام داده عبارتند از:

- ۱- گردآوری آگاهی‌ها درباره پیامدهای آبگیری سد سیوند
- ۲- بازدید از دشت پاسارگاد به همراه صد تن از علاقمندان تهرانی با هماهنگی «شورای هماهنگی انجمنهای ملی ایران» و صدور بیانیه‌ای در این زمینه
- ۳- فرستادن نامه‌ای به رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در راستای پیگیری بیانیه پاسارگاد
- ۴- برپایی همایش «یادمانهای باستانی و هویت ملی» با محوریت موضوع پرونده سیوند در دانشگاه تهران
- ۵- راه اندازی تارنمای پایگاه برای آگاهی رسانی گسترده اگر علاقمند به حضور در این نشست هستید با ما تماس بگیرید.

گزارش فعالیت‌های سه‌ماهه‌ی پایگاه

درود بر شما دوستداران «ایران و یادمان‌های گران قدرش»!
 به روال همه‌ی کسانی که در کاری هم‌اندیشانی دارند، گزارشی از کوشش‌های پایگاه در سه‌ماهه‌ی نخست سال ۱۳۸۵ را - البته با قدری تفصیل، چون نخستین گزارش از این دست است - خدمت شما سروران ارایه می‌دهیم:

- ۱- در این مدت نشست‌های هفتگی هم‌وندگان پایگاه - برای پیشبرد کارها - برقرار بود. در این نشست‌ها بسته به نوع نشست و کار پیش رو از ۴ تا ۱۲ هم‌وند حضور داشتند. گفتنی است این نشست‌ها که در سه ماهه‌ی آغازین خود «دو بار در هفته» تشکیل می‌شده - تقریباً بدون گسست - از شهریورماه سال گذشته در جریان بوده است. مکان برگزاری این نشست‌ها نیز در جاهای گوناگونی چون خانه‌ی تشکل‌های غیردولتی استان تهران، بنیاد جمشید، دفتر انجمن افراز و دفتر یکی از دوستان، در دگرگونی بوده است. و باز شایسته‌ی اشاره است که در این ۹ ماهه نزدیک به ۳۰ نفر با پایگاه همکاری داشته‌اند.
- ۲- تارنمای سیوند - که البته به کندی برپا است - در این سه ماه هم کماکان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پایگاه بوده است در حالی که ما هم بر این باوریم که نباید این‌گونه باشد و این‌همه از ما وقت و توان برد. گفتنی است این تارنما که قرار بود بر دست یکی از هم‌وندگان پایگاه در آبان‌ماه سال گذشته راه بیفتد با از دست دادن زمان مفید قابل توجهی و تا حدودی فروکش کردن شور و حرارت اولیه‌ی مخالفت با ساخت سد سیوند، برای مدتی صفحه‌ی آن بالا رفت (که البته کاری حرفه‌ای و در خور توجه بود) ولی باز به خاطر مشکلاتی در روزآمدسازی، دچار وقفه شد تا این‌بار بر دست یکی دیگر از هم‌وندگان پایگاه - در شکلی ساده ولی کاربردی - در اسفندماه کارش را پی گرفت. این‌بار نیز مشکلات عدیده‌ای بر سر راهمان قرار گرفت که مهم‌ترین آن خرابی گاه به گاه بخش گردآوری امضا بود. به هر روی دردسرها را با پشتکار و

یکی از مشکلاتی که در طی یک سال گذشته گریبان گیر پایگاه اطلاع رسانی بود، نداشتن مجوز رسمی بود. این مشکل به ویژه در گرفتن تالار برای همایش خودنمایی می‌کرد. هر چند که باید سازمان‌های مردم‌نهاد به طور خودجوش و بدون وابستگی و لو در حد گرفتن پروانه‌ی فعالیت از نهادهای دولتی شکل بگیرند همان‌طور که هیات‌های مذهبی کماکان این رویه را دنبال می‌کنند، ولی به هر رو برای باز میان برداشتن این مانع «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) با تصویب گردانندگانش و از سوی دیگر با پذیرش هم‌وندگان شورای مرکزی «بنیاد افراز» (انجمن دوستداران میراث فرهنگی افراز) به زیر پوشش آن بنیاد در آمد. بنیاد افراز که در صدمین سالگرد جنبش بزرگ مشروطیت با برپایی نشست از هم‌وندگان آینده‌ی خود، اعلام موجودیت کرد دارای پروانه از «سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری» است. لازم به اشاره است که تا پیش از این، پایگاه برای برپایی همایش‌های خود از یاری انجمن افراز (دارای پروانه از سازمان ملی جوانان و خاستگاه بنیاد افراز)، کانون آریا (دانشگاه علوم پزشکی تهران) و کانون ایرانشناسی دانشگاه علم و صنعت ایران بهره گرفته بود که بدین وسیله مراتب قدرانی خود را از همراهی این سازمان‌ها اعلام می‌کند و امیدوار است این همراهی کماکان ادامه یابد.

گزارش‌های پایگاه از ابتدا تا تاکنون

یکمین مجمع عمومی پایگاه اطلاع رسانی
 عصر پنجشنبه سیزدهم بهمن ماه (۱۳۸۴)، گروهی از کسانی که برگه همکاری با «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) را که در همایش «یادمان‌های باستانی و هویت ملی» ارایه شده بود پر کرده بودند به دعوت پایگاه گرد هم آمدند تا پیرامون راهکارهای جلوگیری از آبگیری سد سیوند و نجات آثار دشت پاسارگاد تبادل نظر داشته باشند. در آغاز نشست، مهندس کاوه متین، سرپرست بخش فنی پایگاه پیرامون نکته‌های فنی سد سیوند و نحوه آسیب‌رسانی به آثار سخن گفت. سپس مهندس علیرضا افشاری، مدیر پایگاه به کوتاهی در مورد شکل‌گیری پایگاه و کارهای انجام شده تاکنون سخن گفت. سرپرست روابط عمومی پایگاه به نیازمندیهای پایگاه برای همکاری اشاره کرد و نظر حاضران را جویا شد. و آن را جمع بندی کرد. این نشست با حضور بیش از سی تن از علاقه‌مندان به یادمان‌های فرهنگی در دفتر انجمن «یادگار نیاکان ما» برگزار شد. گفتنی است بسیاری از دانشجویانی که برگه همکاری را پر کرده بودند به خاطر امتحانهای دانشگاه از حضور در نشست بازماندند. قرار بر این شد که نشست در پنجشنبه ۲۷ بهمن

دل‌نگرانی‌های دوستان‌اران یادمان‌های باستانی پاسخی در خور داده نشده است، نومیدکننده است.

۶- نامه‌ای را که به رییس‌جمهور داده بودیم پی‌گیری کردیم. گویا پاسخی در کار نبوده، در حالی که در روزهای پایانی سال پیش از دفتر رسیدگی به نامه‌های مردمی ریاست‌جمهوری به ما گفته بودند که می‌توانیم پاسخ ایشان را از مرکز رسیدگی به شکایات مردمی - در خیابان پاستور - بگیریم. در آنجا پس از کلی معطلی - که عادی است - گفتند یک‌بار دیگر نامه را به ما بدهید تا در سفری به ایشان بدهیم. گویا نامه را گم کرده بودند؛ نامه‌ای را که به دست ایشان رسانده بودیم و احتمالاً ایشان حاشیه‌ای نوشته بودند. نمی‌دانیم عمدی در کار بوده یا نه، به هر روی خواهیم رفت به سوی «شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی». فراموش نشود یاری گرفتن از نهادهای معتبر جهانی، گزینه‌های آخر هستند.

۷- برای کامل شدن گزارش، نگاهی هم به وضعیت امور مالی پایگاه می‌اندازیم. پایگاه در این ۹ ماه فعالیت خود تنها برای مواقعی که زمینه‌ی خرج‌کرد مشخص و آماده بود، اقدام به گردآوری پول از هم‌و‌ندانش کرد. ۱۴ نفر از هم‌و‌ندان که برخی برای مدتی با پایگاه همکاری داشتند و برخی هم‌چنان به همکاری خود ادامه می‌دهند از ۱۰ هزار تومان تا ۳۰ هزار تومان به آن کمک کرده‌اند که این مبالغ خرج خرید بانک ذخیره‌ی اطلاعات (برای تارنما)، بخشی از هزینه‌های برگزاری همایش‌ها - به‌ویژه سه شماره نشریه‌ای که به چاپ رساندیم - (بخش بزرگی از هزینه‌ی همایش‌ها را خود دانشگاه یا انجمن برگزارکننده بر عهده می‌گرفته است) و هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ی این سفر آخر، شده است. شاید برای حرفه‌ای‌تر کردن کوشش‌ها در آینده خواستار یاری‌های پولی شما هم بشویم!

و اما دیگر برنامه‌های پیش رو.

پانزدهم خرداد، سد آگیری نشد. دو روز پیش از آن، ما با حضورمان در پاسارگاد و تنگه‌ی بلاغی، اعلام کردیم که پی‌گیر موضوع هستیم ولی از تمام توانمان - یعنی همراهی شما - بهره نبردیم تا برای روز موعود شما را در کنارمان داشته باشیم. احتمال دارد آذرمه آگیری آن آغاز شود. اگر این زمان قطعی شد تلاش می‌کنیم تا در دومین پنج‌شنبه و جمعه‌ی آبان‌ماه - چون سال گذشته - در پاسارگاد گرد هم بیاییم، این بار پرشمارتر.

تابستان زمان خوبی است برای بالا بردن آگاهی گروه و هم‌اندیشان، هرچند برپایی یک همایش، برگزاری یک هفته در میان نشست‌ها و یک‌سره کردن کار تارنما (!) را در دستور کار خواهیم داشت. شما هم آگاهی دادن به دیگران را فراموش نکنید، و فرستادن نظرهایتان را برای ما.

ارادتمند علیرضا افشاری

دبیر پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی

گزارشی از سفر هم‌و‌ندان پایگاه به تنگه‌ی بلاغی

آبان‌ماه سال گذشته که در پاسارگاد گرد هم آمده بودیم، نشد و نگذاشتند که بازدید از تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشته باشیم، از این رو و برای این که دست‌اندرکاران «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی (دشت پاسارگاد)» این دو مکان مورد مناقشه را دیده باشند، رهسپار شیراز شدیم.

عصر پنج‌شنبه یازدهم خردادماه از میدان ونک راه افتادیم. صبح آدینه به تخت جمشید رسیدیم و این یادگار شکوهمند تاریخ ایران را بار دیگر دیدیم. برای اقامت شبانه درون چادر، پیرامون محوطه‌ی تاریخی تخت جمشید نامه‌ای را که از آقای طاها هاشمی، معاونت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری داشتیم ارائه دادیم. آقای مهماندوست، رییس حراست محوطه اظهار امیدواری کرد که مانعی وجود ندارد ولی ساعتی بعد دوباره نزدمان آمد و گفت که چون خطاب نامه به آقای طالبیان، رییس بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد که مدیر

بردباری از سر گذراندیم تا امروز که باز در روزآمدسازی آن مشکل داریم. در این مدت بخش‌هایی به تارنما افزوده شد و بر این باوریم که با تلاش یاران در این بخش پیشرفت‌هایی داشتیم، مطالب خوبی گرد آمد و با قرارگیری خبرهایی از انجمن‌های همراه پایگاه - اگر می‌توانستیم - می‌شد که این تارنما رسانه‌ای ملی، ویژه‌ی هدف بزرگی که برای خود تعریف کرده است باشد. به هر روی تلاش‌های ما ادامه دارد.

۳- نزدیک به هشتصد امضا جمع شد که با توجه به خرابی‌های تارنما عدد بدی نیست. البته ما تقریباً برابرهمین تعداد امضا را حذف کردیم چرا که هدف ما ارتباط با این افراد برای انجام امور بود نه گردآوری تشریفاتی امضاها و بالا بردن کمیت. نام‌های نادرست، ساختگی و حروف مختصر را - البته با فرستادن رایانامه‌ای (ای میلی) به امضاکننده و اعلام این که آن را تصحیح کند - پاک می‌کردیم، هم‌چنین آنهایی را که نشانی رایانامه‌شان درست نبود. به گمان ما درست نوشتن نام و رایانامه، حداقل شجاعتی است که می‌توانیم برای چنین خواست بزرگی - پاسداری از یادگارهای نیاکان - انجام دهیم.

۴- روند آگاه‌سازی مردمان - به‌ویژه دانش‌جویان - نسبت به پرونده‌ی ملی سیوند را دنبال کردیم. دعوت‌نامه‌ی «به جنبش ملی نجات یادمان‌های باستانی پیوندید» را در جاهای بسیاری - از جمله در نمایشگاه کتاب و مطبوعات - پخش کردیم و با انجمن‌های چندی برای برگزاری همایش رایزنی کردیم؛ انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر (که به خاطر انتخابات شورای مرکزی‌شان نتوانستیم به نتیجه برسیم ولی امید می‌رود که در پاییز امسال بتوانیم همایشی در آن دانشگاه برگزار کنیم)، گروهی از دانشجویان دانشگاه زهرا، کانون نخبگان نواندیش که از انجمن‌های پرکار شرق تهران است و... که همان‌طور که آگاهی تنها توانستیم با یاری کانون ایران‌شناسی و گردشگری دانشگاه علم و صنعت ایران، همایشی در آن دانشگاه برپا کنیم. برای ساخت فیلمی درباره‌ی سد سیوند و پیامدهای آن هم رایزنی‌ها و اقداماتی داشتیم که امیدواریم به‌زودی نتیجه‌اش را بگیریم. انجمن‌های دیگری را هم به پیوستن به پایگاه ترغیب کردیم که خبرهای آن بر روی تارنما قرار گرفت.

۵- از یازدهم تا چهاردهم خردادماه - بدون اعلام قبلی - سفری به مرودشت برای بازدید تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشتیم که گزارش آن جداگانه خواهد آمد. تنها اشاره به این موضوع می‌ماند که هنوز تا پایان ساخت سد - با وجود سرعت بسیار در کار - راهی دراز داریم. در این جا نکته‌ای نهفته است و آن خبرهایی پیاپی از وزارت نیرو است که زمان آگیری را اعلام می‌کند و هر بار پس از رسیدن به زمان موعود، باز لطف آن وزارت‌خانه و عقب افتادن زمان آگیری. این داستان از آذرماه سال پیش تا همین الان که گفته‌اند آگیری در شهریور است ادامه دارد؛ قرار بود دوازدهم بهمن‌ماه آگیری می‌شود، بعد افتاد اسفندماه، بعد پانزدهم خرداد... و هر بار هم در ظاهر به خاطر درخواست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این آگیری به عقب می‌افتد. در حالی که اگر نظر غیرکارشناسی ما و نظر کارشناسی دوستان مهندس‌مان را که سال گذشته از سد بازدید کردند و گفتند دست‌کم یک‌سالی از ساخت سد باقی مانده، به کناری نهمیم در گفتگو با تنی چند از کارشناسان به این یقین رسیدیم که زمان آگیری سد با توجه به سیلاب‌ها در آذرماه است، پس این اعلام‌های وزارت نیرو در تعیین زمان آگیری را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

متأسفانه جز از بین بردن حساسیت‌ها آن هم به یاری «عدم صداقت»، نام دیگری نمی‌توان بر این کار نهاد. با این کار لابد این انتظار می‌رود که هنگام آگیری، مخالفت‌ها به کم‌ترین حد خود برسد. کما این که به گفته‌ی فرد باریک‌بینی؛ با خواندن جمله‌ی «همش تقصیر سازمان میراث فرهنگی است» در گوش کشاورزانی که منتظر این آب و احتمالاً رفع برخی مشکلات دیگر هستند، آنها را هم نسبت به گرمی‌داشت آثار باستانی - که همیشه نگاهبان‌شان بودند - دل‌سرد می‌کنند. به هر روی این برخورد ناصادقانه‌ی وزارت نیرو در کنار عجله‌ای که برای اتمام ساخت سد از خود نشان می‌دهد در حالی که هنوز به

پس از بازگشت پاسارگاد را - در حالی که در بدو ورود نیز ما را در انتظار نگه داشتند تا مسوولان اجازه‌ی بازدید را بدهند (!) - باری دیگر دیدیم. آقای فوق، مسوول حراست آن محوطه در تمام طی بازدید در کنار ما بود! نمی‌دانیم آیا با دزدان آثار باستانی نیز چنین برخورد می‌کنند که با دوستداران آن آثار چنین می‌کنند؟!

آخرین مرحله از سفر، خوانش سرود «ای ایران» در کنار آرامگاه بنیادگذار کشور ایران بود و پیمان بستنی دوباره. به خاطر مشکلات پیش‌آمده برخلاف قراری که برای سه‌روزه بودن سفر داشتیم، راهی تهران شدیم. صبح یکشنبه چهاردهم خردادماه در تهران بودیم.

تازه ترین گزارش پایگاه از دشت پاسارگاد و تنگه بلاغی در تاریخ نیمه آبان ماه ۱۳۸۵

آرامگاه کوروش بزرگ

وضعیت کلی سنگ های آرامگاه وخیم است و دچار هوازدگی و پوسیدگی زیاد شده است .

قسمت هایی از مرمت های پیشین که با سیمان انجام شده بوده است برداشته شده و داریستی مسقف روی آرامگاه زده اند . دو نفر مشغول کار بر سقف آرامگاه هستند . نگیهان مسئول توضیح می دهد که تحت نظارت یونسکو تصمیم بر مرمت دوباره آرامگاه با سنگ سفید گرفته شده است . قسمت فوقانی آرامگاه و بخشی از پیشانی بنا برداشته شده است .

سایر آثار دشت

تغییر قابل ملاحظه ای در وضعیت نگهداری مشاهده نمی شود

محوطه مقدس

بقایای پلکان سکوی مقدس که سال پیش توسط اشراش شکسته شده بود همچنان به چشم می خورد ، علی رغم آنکه شنیدیم برای این محوطه که خارج از محدوده محافظتی پاسارگاد قرار دارد نگیهان گمارده اند ، کسی آنجا دیده نشد . در کمال تعجب متوجه شدیم که چوپانان محلی از حفره داخل سکوی مقدس برای نگه داری بره ها استفاده می کنند !

تنگه بلاغی

با حضور مستقیم در تنگه متوجه می شوید که سطح مورد کاوش نسبت به وسعتی که به زیر آب خواهد رفت چقدر ناچیز است . تقریباً ۶ نقطه با فاصله زیاد مورد کاوش قرار گرفته است . بیشتر قسمتها به عمق حدود ۵۰ سانتیمتر خاک برداری شده بود که در آن سنگ چین های جزر فضاهایی به چشم می خورد ، در بخش هایی که به عمق بیش از یک متر لایه برداری شده بود خمره ها - اسکلت - کارگاه شراب سازی و ریخته گری کشف شده بودند که ظاهراً همگی منتقل شده بودند . به راحتی می توان حدس زد که شهری در زیر این محدوده خفته است که تماماً به زیر آب خواهد رفت . چرا که در هر قسمت که به صورت شمالی - جنوبی محدوده ای را حفر کرده بودند با زاویه ۳۰ درجه نسبت به آن دیوار سنگ چین شده ای پیدا بود که همچنان ادامه داشت .

غار دست کنده شده ای نیز در ارتفاع قرار داشت که به گفته یکی از مسئولان سد که معتقد بود پس از آبیگری آب به ارتفاع ۵۰ متر بالا خواهد آمد ، آن هم به زیر آب خواهد رفت . بخش هایی از راه شاهی نیز که شبیه آن چیزی است که سنگفرش های آن در کرمانشاه (به خصوص نزدیک ریجاب - کنار طاق گرا) مشهود است و آنجا نیز مورد هجوم لوله کشی گاز قرار گرفته است به زیر آب خواهد رفت .

سد سیوند

چنانچه میدانید سیوند یک سد خاکی است . ماشین آلات غول پیکر با سرعت تمام مشغول خاک ریزی و افزودن بر ارتفاع سد بودند . شفت بتنی نیز هنوز

محوطه هم هستند، است باید موافقت ایشان را که در همایش «تعیین حریم منظر آثار باستانی» هستند بگیریم. به مهمانسرای تخت جمشید که همایش با حضور نمایندگان از چند کشور آسیایی و یونسکو در آنجا برگزار می‌شد رفتیم. در این هنگام مهماندوست به ما خبر داد که دادستانی استان به خاطر برگزاری این همایش که جنبه‌ی جهانی دارد موافقت نکرده است که ما در آنجا ساکن باشیم در حالی که در محل برگزاری همایش متوجه شدیم که آن همایش همان روز پایان می‌یابد و مهمان‌ها راهی دپارشان می‌شوند! دکتر طالبیان هم به خاطر این که مشغول به اجرای همایش بود از رسیدن به وضعیت ما عذر خواست و ما را به معاونش، آقای کاظمی معرفی کرد. او هم پس از مدتی به همراه آقای مهماندوست نزد ما آمد و همان بهانه را تکرار کرد.

پس از دیدن نقش رجب و نقش رستم، ضمن گرفتن نظر مساعد نگیهان‌های نقش رستم در پارکینگ آنجا که چند خودرو دیگر هم مستقر بوده و چادر زده بودند، چادرهای مان را برپا کردیم. مشغول آماده کردن شام بودیم که ریاست نیروی انتظامی مرودشت، سرهنگ ارشادی به دیدارمان آمد و با بهانه‌های گوناگونی چون «چادرهایتان نزدیک به هم است»، «نامه‌ی شما برای اقامت در تخت جمشید است»، «باد چادرهایتان را خواهد برد»، «این‌جا امنیت ندارد»... در حالی که مسئولیت آن استقرار را خودمان پذیرفته بودیم، بدون این که به ما فرصت خوردن شام را بدهد با اصرار خواهان جمع کردن چادر و رفتن مان به سوی شیراز شد. به سوی تخت جمشید بازگشتیم و قصد کردیم در پارکینگ آنجا که باز هم کسانی چادرهایی بر پا کرده بودند، مستقر شویم. مأموران خودرو گشت ما را از اقامت در آنجا بر حذر داشته و گفتند که: «جناب سرهنگ، مایل نیستند شما در مرودشت - یعنی حوزه‌ی ایشان - بمانید». همان خودرو، اتوبوس ما را همراهی کرد تا از محدوده‌ی مرودشت بیرون آمدیم!

شب را در امام‌زاده‌ی «شاهزاده قاسم» به سر آوردیم و صبح زود طبق قراری که با گروه باستان‌شناسی داشتیم رهسپار دو راهی پاسارگاد - تنگه‌ی بلاغی شدیم. آقای عرب از باستان‌شناسان همکار با گروه فرانسوی، ما را به محل کاوش هیأت ایرانی - فرانسوی راهنمایی کرد. پیش از رسیدن به جایی که پی کاخ داریوش در آن به دست آمده بود راه (کانال) دختر بر را دیدیم. در جای خوش آب و هوایی که روزگاری شکارگاه داریوش بزرگ بود و در آن کوشک یا کاخی کوچک بنا کرده بود، سخنان ارزشمند آقای محمدتقی عطایی را شنیدیم. گفته‌های او را به طور کامل به زودی بر روی تارنما خواهیم گذاشت.

با مینی‌بوس باستان‌شناسان از دیگر جاهای باستانی کشف‌شده هم بازدید کردیم، از جمله کوره‌های هفت‌هزار ساله که بازدید آن، با آشنایی و شنیدن سخنان آقای فرهاد زارع، نخستین فردی که منطقه‌ی تنگه را بازدید علمی کرد همراه بود. گفته‌های زارع را که خود نیز مرودشتی است بر روی تارنما می‌گذاریم.

بازدید از سد سیوند آخرین بخش از هدف‌های سفر بود که به آن رسیدیم. نگیهان سد با برخوردی خوب ما را به جایگاه بازدید مهمانان راهنمایی کرد و ما از آنجا کل محوطه‌ی سد را دیدیم، سدی که به نظر برای به پایان رسیدن، زمانی طولانی را در پیش دارد هر چند کار به سرعت و گسترده بر روی آن جریان داشت و در مسیر خاکی هم خودروهای بزرگ باری بسیاری در رفت‌وآمد بودند. قصد بازگشت داشتیم که نیروی انتظامی جلوی ما را گرفت و سرپرست آن نیرو - گویا آقای قربانی - به پرسیدن پرسش‌های شگفتی‌آوری از ما چون این نمونه‌ها پرداخت:

برای چه آمدید؟ چرا می‌خواهید بازدید کنید؟ از که دستور می‌گیرید؟ از کجا به شما خط می‌دهند؟ قصد و هدف‌تان چه بوده؟ شما که هستید؟ ... به این ترتیب برخورد نگیهان که می‌رفت خاطره‌ای خوب بر جا گذارد جای خود را به برخوردی نامناسب - چون برخورد دو گروه دشمن - توسط نیروی انتظامی داد.

تمام نشده بود و همچنان مشغول بستن آرمانتورها و بتن ریزی تواما بودند ، ظاهرا اصرار بر این است که سد در پایان آذر ماه چه تمام شود چه نشود آگیری شود !

گفتگوی ویژه با دکتر دادخواه، وکیل پایه یک دادگستری

جناب آقای دکتر دادخواه شما در حال حاضر وکالت چند پرونده میراث فرهنگی را در کشور برعهده دارید و در تلاش هستید تا از راه های قانونی از حقوق فرهنگی ملت دفاع کنید و به مسئولان بقبولانید که حقوق فرهنگی و میراث فرهنگی نیز از مصادیق حقوق بشر به شمار می رود که ایران بارها در پیمان های جهانی این حقوق را به رسمیت شناخته است. یکی از این پرونده ها پرونده متروی اصفهان است. لطفا بفرمایید که روند پیگیری حقوقی پرونده گذر مترو از خیابان چهارباغ اصفهان در چه مرحله ای است؟

در ابتدا ما با عنایت به بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ناظر به ماده ۱۵ میثاق فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی که دولت ایران در اردی بهشت سال ۱۳۵۴ به آن ملحق شده است و ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی مبادرت به طرح شکایت علیه آقای رحیمی مشاعی معاون رئیس جمهور و رئیس میراث فرهنگی از یک سو و آقای مرتضی سقاییان نژاد شهردار اصفهان از سوی دیگر نمودیم . متأسفانه علی رغم مصراحتی در ماده ۲۷ و ماده ۹ قانون مدنی ایران ، دادستان اصفهان صراحتا اعلام



کردند که ما اصلا واجد شرایط رسیدگی نیستیم و تقاضا کردند که بازپرس محترم شکایت ما را نپذیرند. ما بحث مفصلی با شعبه پنج بازپرسی دادسرای اصفهان داشتیم و بالاخره در خورداد ماه امسال مقرر شد که این مورد را از اداره حقوقی قوه قضائیه سوال کنند. با این که ما در زمینه میراث فرهنگی یک خلاء قانونی بسیار سختی داریم خوشبختانه اداره حقوقی قوه قضائیه یکی از مترقی ترین نظرات در طول تاریخ دادگستری ایران را در این زمینه داد و خوشبختانه پس از آن آقای « جرقویه » بازپرس محترم شعبه ۵ دادسرای اصفهان شکایت ما را پذیرفتند و به دنبال آن ۱۷۵۴ نفر از مردم دنیا یعنی هم از داخل کشور و هم از خارج کشور مبادرت به طرح شکایت علیه معاون رئیس جمهور و شهردار اصفهان کردند و به این طریق به این شکواییه پیوستند.

به این ترتیب اکنون با اعلام نظر اداره کل امور حقوقی و اسناد و مترجمین قوه قضائیه این امکان فراهم شده که همه افراد ملت بتوانند از مسئولان مملکتی به خاطر اقدامات غیر قانونی به دادگستری شکایت کنند . ممکن است ما را در جریان متن این نامه قرار دهید؟

در این نامه به تاریخ ۸۵/۴/۲۵ و شماره ۷/۸۰۰۳ در پاسخ به استعلام بازپرس شعبه پنجم دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان آمده است: « بازگشت به استعلام شماره ۵ب/۲۳۶/۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۰ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و اسناد و مترجمین قوه قضائیه به شرح ذیل اعلام می شود :

با اشاره به این که با تصویب قانون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ نام سازمان میراث فرهنگی کشور به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تغییر یافته است ، اضافه می شود با عنایت به بعضی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی از مواد قوانین موضوعه ، آن چه دولت به صورت مالکیت عمومی در اختیار دارد متعلق به عموم مردم یعنی ملت است. به بیان دیگر دولت به نمایندگی از ملت آن را در اختیار دارد و توسط دولتمردان آن را تصدی و اداره می کند و چنان چه هر یک از دولتمردان

در اداره و تصدی اموال عمومی موصوف مرتکب تعدی یا تفریط شود هر یک از افراد ملت من باب امر به معروف و نهی از منکر حق اعتراض و بر این اساس اختیار دارد به دادستان که طبق بند الف ماده ۳ (اصلاحی ۲۸/۷/۱۳۸۱) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب حافظ حقوق عمومی است مراجعه و دادخواهی کند. دادگستری مرجع تظلمات عمومی است و هر یک از متضرران از اقدامات غیر قانونی مسئولان مملکتی و سایر افراد جامعه می توانند به دادگستری مراجعه - عند الزوم با پرداخت هزینه های قانونی - اعلام شکایت کنند . بنابراین چنان چه شهرداری بر اساس اجازه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرتکب اقداماتی شده باشد که سبب تزلزل بنیان آثار فرهنگی - تاریخی گردد بنا به دادخواهی هر یک از افراد ملت ، دادستان محل مکلف به رسیدگی و تعقیب متهمین به ارتکاب جرم اعم از مباشر و معاون - براساس ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ خواهد بود . /»

استنادات و استدلال کارشناسی شما در این پرونده چه بود؟

به خاطر این که نظر ما تنها حقوقی نباشد و مستدل و فنی نیز باشد از یکی از بزرگ ترین متخصصان ایرانی که در فرانسه تحصیل کرده اند و متخصص حفاری و زمین شناسی هستند یعنی آقای دکتر محمد رضا اسپهبد تقاضای نظر کارشناسی کردیم. نظر ایشان هم پس از ۳ ماه معاینات و مطالعات میدانی یکی از بهترین نظریاتی بود که تاکنون در این مورد ابراز شده است.

البته در طول تاریخ دادگستری ایران هم کم سابقه بوده که از اقتشار مختلف بر روی یک موضوع واحد در یک مرجع قضایی طرح دعوی بشود . پس از این که این شکایت ها شد آقای جرقویه بازپرس محترم تصمیم گرفتند که از آقای سیف الهی رئیس متروی اصفهان بازپرسی کنند . (البته در حال حاضر ایشان هم استعفا داده اند که گویا پذیرفته شده است.) پس از آن آقای رشتچیان به عنوان کارشناس رسمی دادگستری قرار شد در این زمینه نظر بدهند و امیدواریم که اگر ایشان تحت فشارهایی نمی توانند نظر واقعی خودشان را بدهند ، استعفا دهند. در حال ما امیدواریم با اعلام نظر کارشناس محترم اجرای مصوبات قبلی که عبور مترو از خیابان شمس آبادی فارغ از بافت کهن اصفهان است به اجرا در آید.

از سوی دیگر در زمان آقای بهشتی و در زمان آقای مرعشی با توجه به نظرات فنی در سازمان میراث فرهنگی مصوباتی داشتیم که اجازه نمی دهند که مترو از چهارباغ و بافت کهن بگذرد . به علت این که جنس خاک و پی چهارباغ و استقامت مصالح ساختمان های هشت بهشت و بازارچه بلند و سی و سه پل اجازه چنین کاری را نمی دهد ضمن این که آقای مهندس درویش یک معاینه محل انجام دادند و اثبات کردند که متأسفانه سی و سه پل بر روی زمین شاقول نیست یعنی انحناء دارد و هر گونه ارتعاشی با توجه به نظریات آقای دکتر اسپهبد یک فاجعه به بار می آورد.

به نظر ما هم آقای شهردار و هم رئیس مترو در این مورد متخلف هستند . چون این ها مدیر اجرایی هستند نه مدیر ستادی و گویا این آقایان بین صف و ستاد تفکیک قائل نیستند. مدیر اجرایی حق ندارد که در امر ستادی دخالت بکند و متأسفانه آقای سیف الهی گفتند که ما از خطی که مشخص شده بود گذشته ایم و امکان بازگشت نیست . این استدلال متأسفانه آن قدر بی پایه و مایه است که یعنی تکنولوژی ما آن قدر ضعیف است که امکان اصلاح اشتباهات وجود ندارد. حال سوال این است که اگر اشتباهها رفته بودند داخل خانه مردم آیا باز هم باید ادامه می دادند؟

پرونده مشابهی هم در مورد برج جهان نما داشتید. سرانجام آن به کجا رسیده است؟

برای جهان نما هم ما ابتدا به پارلمان فرانسه رفتیم که گفتند در صلاحیت ما نیست ولی خودشان تقاضا کردند که پارلمان اروپا به ما وقت بدهند و پس از این که با همت خانم شیرین عبادی به پارلمان اروپا رفتیم ، پس از ۳ ساعت گفت و گو و ۴۸ ساعت مطالعه باز به ما گفتند در صلاحیت ما نیست و باز

پرونده را ارجاع دادند به یونسکو که یونسکو به آقای جلالی و بعد آقای خرازی اخطار داد و بعد آقای خاتمی در اجلاس اوپک در اصفهان گفت که این ساختمان یک گاه است و در برابر کوهی از جواهر میراث فرهنگی ما ارزشی ندارد و باید تعدیل شود و سرانجام طبق آخرین نظر هم که اداره حقوقی میراث فرهنگی داده باید چهار طبقه آن تخریب شود.

آیا این تخریب یا به بیان دیگر تعدیل، به صورت کامل انجام شد؟ خیر. تاکنون یک طبقه و نیم آن تخریب شده و شهرداری در این مورد به مردم دروغ می گوید. حتا شهردار صراحتاً در مورد من گفتند که این آقا بیکار است که دنبال این موارد می رود و من هم در پاسخ گفتم که بی کاری بهتر از این است که میراث فرهنگی را تخریب کنیم و البته اگر خیلی بیکار شدم مثل شما شهردار می شوم.

و سرانجام آن را چگونه می بینید؟

من به سرانجام پرونده جهان نما خیلی خوشبینم و تعدیل آن دیر یا زود نهایتاً باید صورت گیرد و نمی توانند از آن سر باززنند.

از زمان اعلام ساخت و احتمال آبیگری سد سیوند تا به حال اقدامات گسترده ای از سوی سازمان های غیر دولتی و افراد گوناگون برای جلوگیری از تخریب آثار باستانی دشت پاسارگاد صورت گرفته است و در این میان کمیته بین المللی نجات پاسارگاد پیشاهنگ است. آیا شما اقدامات انجام شده را موثر می دانید؟ شما چه راهکارهایی را برای تقویت این جریان پیشنهاد می کنید؟

متأسفانه در وزارت نیرو تصویب شده که سد سیوند آبیگری شود که امیدواریم با به نتیجه رسیدن این اقدامات این اتفاق نیفتد. من اقدامات انجام شده را موثر می دانم اما به نظر من بهترین راه این است که NGO ها و کمیته با استناد به نظر اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه به صورت مستدل و از طریق قانونی برای برخورد با قانون شکنان وارد شوند.

به نظر شما علت اصلی بروز چنین خطراتی برای میراث فرهنگی ما چیست؟ دو علت اصلی وجود دارد. یکی قوانین ما هستند که بسیار ناکارآمد هستند و بدتر از آن مجریان بسیار بی قابلیت و ناقابل هستند.

از شرکت شما در این گفت و گو سپاس گزارم.

نوشته و گفتگو از دکتر شاهین سپنتا

مصاحبه با دکتر پرویز ورجاوند باستانشناس و پژوهشگر برجسته ی ایرانی درباره سد سیوند

به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متعهد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکلی را برای آبیگری اعلام نکنیم دست به آبیگری سد نخواهند زد حال اگر بار دیگر زمزمه آبیگری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که مثل همه مسائل دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردهمایی و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند. بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخرج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند

میرصیافی: از آنجایی که شما اولین شخصیت سرشناس در داخل ایران بودید که به طور علنی و رسمی به آبیگری سد سیوند اعتراض کردید، ممکن است

بفرمایید که چرا مسئولان و متولیان امر، علیرغم اشراف بر این موضوع که در صورت آبیگری سد سیوند آثار باستانی دشت پاسارگاد آسیب خواهد دید، بر انجام آبیگری سد اصرار دارند؟

دکتر ورجاوند: من بارها در مصاحبه های مختلف با رسانه های درونی از جمله سایتهای خبری و همچنین رسانه ها و تقریباً عمده رادیوهای شناخته شده به زبان فارسی در خارج از کشور به این مسئله پرداختم و به این موضوع اشاره کرده ام که در ایران و در شرایطی که بعد از انقلاب بسر می بریم، ذهنیت پاسداری از میراث فرهنگی به معنی واقعی کلمه که در خور ارزش این پدیده ای که در دنیا امروز ذهن همه کشورها را به دو جهت به خودش معطوف ساخته است، یکی از جهت نشان دادن پیشینه هویتی ایشان و دیگری از نقطه نظر اهمیتی که در کار صنعت توریسم بر عهده دارد، در ایران در هیچ یک از این دو بعد این مسئله به معنای واقعی کلمه مورد قبول و پذیرش صاحبان قدرت نیست و بنابراین با وجود تمام تلاشهایی که شده و چندین کنفرانس که من در محیط های دانشگاهی داده ام و مصاحبه هایی که با میراث خبر، ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) و ایلنا (خبرگزاری کار ایران) و دیگر سایتهای داخلی انجام داده ام و بخصوص بازتاب هایی که گفتگوهای من با خارج از کشور داشته است شاید برای اولین بار بود که مقام های مسئول سازمان هایی که درگیر این پروژه هستند را مجبور کرد که در یک نشست گسترده در دانشگاه تهران حضور پیدا کنند و در کنار من بنشینند و توضیحاتی را که من می دهم و دلایل مخالفت خودم را که ابراز می کنم در واقع بتوانند پاسخ بدهند البته نه در جهت رد آن بلکه در جهت تصدیق آن و بگویند که ما تا زمانی که شما معتقد هستید که در اینجا کار بررسی و کاوش به سامان نرسیده است در هیچ شرایطی دست به آبیگری نمی زنیم و زمانی این کار را انجام می دهیم که از نقطه نظر علمی، صاحب نظرانی که تابحال این مسئله را پی جسته اند به این نتیجه برسند که این آبیگری نمی تواند لطمه های اساسی به آثار آن منطق وارد بکند. این اولین بار بود که معاون وزارت نیرو، مدیر منطقه ای آب استان فارس، معاونت سازمان میراث فرهنگی، رئیس پژوهشگاه باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، همه به آنجا آمدند و من این بحث گسترده را مطرح کردم و چهره شناخته شده ای چون دکتر دادخواه، وکیل سرشناس ایرانی از طرف کانون وکلای مدافع حقوق بشر نیز از بعد حقوقی به مسئله حفظ میراث فرهنگی در چارچوب حقوق بشر پرداختند و در آن جلسه به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متعهد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکلی را برای آبیگری اعلام نکنیم دست به آبیگری سد نخواهند زد حال اگر بار دیگر زمزمه آبیگری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که مثل همه مسائل دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

میرصیافی: از زمان آشکار شدن این قضیه تا بحال اقدامات گسترده ای از سوی نهاد های غیر دولتی و شخصیت های گوناگون برای جلوگیری از تخریب آثار باستانی دشت پاسارگاد صورت گرفته است و "کمیته بین المللی نجات دشت پاسارگاد" پیشاهنگ این جریان های اعتراضی بوده است. آیا شما اقدامات انجام گرفته در این زمینه را قابل قبول می دانید؟ چه راهکارهایی را برای تقویت این جریان پیشنهاد می کنید؟

دکتر ورجاوند: ببینید، متأسفانه ما در ایران و در شرایط کنونی از در اختیار داشتن امکانات خیلی طبیعی و عادی برای برپایی نشستها و فراخوان دادن برای حضور علاقمندان در جهت بحث و تحلیل این مسائل در تگنای شدیدی هستیم به همین دلیل است که در مورد مسئله ساختمان جهان نما و لطمه بنیادینی که این بنا بر میدان نقش جهان وارد کرده، من این مسئله را برای اولین بار در یک مصاحبه مفصل با بی بی سی اعلام کردم و در پی آن گفتگو سبب شد که در درون و بیرون از کشور یک مجموعه موضع گیری هایی صورت

می برند و به تنها چیزی که توجه و عنایت ندارند این است که در قبال حفظ میراث فرهنگی مملکت باید اقدامی کرد و ذهن جوامع مختلف در دنیا را به نحوه برخورد نامعقول حاکمیت با این آثار معطوف سازند .

میرصیافی : ظواهر امر حکایت از آن دارد سازمان میراث فرهنگی، متولیان پروژه های عمرانی را موظف کرده است که قبل از انجام هر پروژه ای از این سازمان استعلام گرفته شود تا از وقوع مسائل شبیه به پروژه سد سیوند جلوگیری شود . پرسش من این است که این طرح سازمان میراث فرهنگی تا چه میزانی ضمانت اجرایی دارد ؟ چرا مسئولان و متولیان چرا تا کنون به این قضیه فکر نکرده بودند ؟

دکتر ورجاوند : می دانید که در بعد از انقلاب مسئولیت وزارت فرهنگ و هنر در دولت موقت بر عهده من قرار گرفت ولی به دلیل اینکه جماعتی می دانستند



من با تمام نیرو در مسیر حفاظت از این آثار تلاش خواهیم کرد و نه تنها درباره این آثار، بلکه دیگر آثار هنری، موزه ها و گسترش فعالیتهای و فضای باز فرهنگی گام بر خواهیم داشت و خواهیم کوشید تا گشایش

چشمگیری را برای فعالیتهای فرهنگی و هنری در ایران ساماندهی بکنیم، با قدرتهایی که بصورت دولت سایه که می خواستند دولت موقت را در زیر سلطه قرار بدهند در گیر چالش شدند و سرانجام حتی قبل از اینکه عمر دولت موقت به پایان برسد ناگزیر شدم برای توجه دادن به جامعه درباره تنگناهایی که می خواهند بر حرکتهای فرهنگی و هنری تحمیل کنند از سمتی که داشتم استعفا بدهم و کنار بروم . مسئله اساسی این بود که از اول، دستگاه حکومت پس از انقلاب تلاش فراوانی را انجام داد که عملاً تلاش برای حفظ میراث فرهنگی پدیده مطبوعی نباشد یعنی به شمار زیادی از این آقایان چه در کسوت روحانیت و چه غیر روحانیت هر وقت سخن از آثار شکوهمندی مثل تخت جمشید ، پاسارگاد و مانند آن در ایران صورت می گرفت با بکار بردن کلمات من درآوردی طاغوتی و یا قوتی با آن برخورد می کردند و معتقد بودند که اینها نشانه های ساختارهایی است که ملت ایران باید آن ساختارها را نفی بکند . مقاومت ملت ایران سبب شد که حاکمیت در این نگرش خود تغییراتی بدهد ولی در عمل هیچگاه برای دستگاهی که بنام وزارت فرهنگ و هنر بود و می توانست بعنوان یک وزارت خانه نقش قدرتمندی را ایفا بکند و می توانست عملکرد آن در مجلس مورد نقد قرار بگیرد، اهمیتی قائل نبودند و ساختار آنرا تغییر دادند و از نظر ساختار اداری آنرا بصورت یک زیر مجموعه در آوردند که در عمل کوچکترین قدرتی در جهت اعمال حاکمیت درباره حفظ میراث فرهنگی نداشته باشد . این مسئله تداوم پیدا کرد تا زمانی که آمدند این مسئله را بعنوان یک مجموعه پیوند یافته با جهانگردی از یکسو و سپس از با صنایع دستی پیوند دادند و تشکیلاتی را بوجود آوردند که اگر درست طراحی شده بود و به یک وزارت خانه تبدیل می شد، و مدیرانی با تجربه ، کارشناس و تحصیل کرده و با قدرت را در آن می گماردند قادر بر آن می گشت تا کارایی و توان مانور لازم را پیدا کنند ولی متأسفانه این شرایط هیچ یک حاکم نشده است، بنابراین شهرداری ها ، اوقاف ، وزارت مسکن ، وزارت صنایع در قالب ساختن شهرک های صنعتی و وزارت کشاورزی در قالب پروژه های گسترده کشاورزی ، وزارت نیرو در قالب پروژه های سد سازی ، وزارت را در قالب پروژه های راه سازی ، یعنی عمده ارگانهای این مملکت و وزارت خانه ها با اقتدار هر چه تمام تر بدون اینکه کوچکترین نظر خواهی را از کادر کارشناسی میراث فرهنگی داشته باشند دست به اقدام می زنند و پس از اینکه وارد فعالیت می شوند و پروژه های خود را به مرحله اجرا می رسانند، در حین عمل که با برخی از آثار

بگیرد . در خارج از ایران به دلیل امکانات گسترده رسانه ای این کار می توانست در یک اندازه گسترده مطرح بشود ولی جز در یک یا دو مورد و همین تشکلی که نام بردید بویژه آقای دکتر نوری علا و خانم شکوه میرزادگی که قضیه را پی جستند با کمال تأسف باید گفت این رسانه های به شدت پر شمار فارسی زبانی که در آنجا فعال هستند و می توانستند مسئله را به رسانه های بین المللی هم بکشانند، چنین همتی از کسی دیده نشد . بنابراین بازتاب مسئله به گونه ای که در خور آن مسئله بود و بعد در پی آن همین مسئله سد سیوند از نظر بازتاب جهانی آنطور که می بایست از سوی جریانهها و رسانه هایی که می توانستند به راحتی در این زمینه در خارج اقدام بکنند صورت نگرفت حتی جالب است که بدانید با آگاهی بر اینکه در درون ایران با وجود همه مشکلات من این مسئله را تعقیب می کنم به غیر از دو سه مورد رادیو های مختلف، این رسانه های دیداری که می توانستند از طریق توضیحاتی همراه با سند های تصویری موضوع را بازتاب دهند، هیچ گونه آمادگی از خودشان نشان ندادند . بنابراین ما در درون ایران همچنان در محدودیت هستیم یعنی در درون ایران متأسفانه به دلیل اینکه در ارگان های دانشگاهی حتی در ارگانهای دانشگاهی که در آنها رشته هایی مانند باستان شناسی ، معماری و هنر وجود دارد از نقطه نظر کسانی که گرداننده و مدیران این ارگانها هستند؛ نه تنها شناختی از این مسئله ندارند بلکه به هیچ عنوان آنرا به عنوان مسئله پر اهمیت مورد توجه قرار نمی دهند و به دانشجویان امکان داده نمی شود تا کنفرانس هایی با شرکت صاحب نظران تشکیل دهند . هم اکنون برای کتیبه های گل نوشته تخت جمشید که در این چند ماه اخیر مطالبی در مورد آنها مطرح شده ، دو تا سه تشکل غیر دولتی دانشجویی در تلاش هستند تا در یکی از تالارهای دانشگاهی و فرهنگسراها که همگی خالی هستند جلسه ای تشکیل دهند تا در آنجا من بتوانم اهمیت این کتیبه ها و ارزش معنوی آنها را از نقطه نظر پیشینه بسیار بسیار افتخار آفرینی که در جامعه ایران در زمینه نحوه برخورد با جامعه کارگری ، متخصصان و هنر آفرین ها داشته، مورد بحث قرار بدهم ولی هنوز این جوانها با تمام علاقه ای که به خرج می دهند و تلاشی که می کنند موفق نشده اند که یک تالاری را برای دو تا سه ساعت در اختیار بگیرند . یعنی دانشگاه ها ، شهرداری و تمام دستگاههایی که امکاناتی در اختیار دارند برای آنکه بشود از آن امکانات در زمینه آگاهی دادن به مردم ، نشان دادن فیلم ، اسلاید ، تصویر و نمایشگاه و سخنرانی در جهت تشویق جامعه به حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و در جهت بازداشتن مسئولین از اقداماتی که می تواند لطمه به این آثار بزند، هیچ یک آمادگی در اختیار گذاردن آن امکانات را ندارند . بنابراین من نه تنها آنچه را که تا کنون صورت گرفته است کافی نمی دانم بلکه به شدت ضعیف می بینم و معتقد هستم تا یک حرکت به شدت گسترده در درون و بیرون از ایران صورت نگیرد ما همه روزه شاهد این خواهیم بود که به یک اثر لطمه بخورد . من جرات این را دارم که بگویم تقریباً روزی در این سرزمین نیست که یک اثر ارزشمند فرهنگی قبل از اسلام و بعد از اسلام ایران مورد تجاوز قرار نگیرد ، در یک بافت قدیمی آثاری را از هم ندرند، به یک مجموعه بنا لطمه وارد نکنند و یا بناهای بسیار شکوهمندی مانند مجموعه کم نظیر کوه خواجه در نزدیکی زابل را به امان خدا رها نکنند که بر اثر تابش آفتاب در تابستان ها و یا بارش های سیل آسای فصلی ، امروز بیم آن می رود که این بنا به نابودی کشانده شود . بنابراین برای نجات میراث فرهنگی ایران نیاز به یک همت بالایی است که ما در درون ایران افرادی که علاقه داشته باشند و همت این کار را داشته باشند فراوان داریم ولی موانع بازدارنده از سوی حاکمیت آنقدر گسترده است که امکان یک حرکت اثر بخش را در جامعه نمی دهد و آن انبوه هموطنانی که در فراسوی مرزها هستند و از امکانات گسترده مادی و آزادی کامل برای برپایی مراسم و طرح مسئله مهم حفظ میراث فرهنگی در اختیار دارند و می توانند گام های بلندی را بردارند جز چند تنی بقیه را می توان گفت که در یک خواب بلند مدت به سر

این مناطق، که اکنون من و شما از آنها یاد میکنیم، نقشه های باستان شناسی دورانه های مختلف باید مشخص بشود تپه های پیش از تاریخ باید روشن باشد، حریم آنها باید معین باشد، موقعیت بافت هایی که باید مورد محافظت قرار بگیرند در نقشه تثبیت شود و هیچ ارگان و قدرتی حق این را نداشته باشد که در آنجا خشت روی خشت بگذارد مگر اینکه پروژه عمرانی در چارچوب یک کمیته کارشناسی با نظر مثبت باستان شناسان و معماران متخصص مورد تأیید قرار بگیرد. بنابراین در شرایطی که سازمان میراث فرهنگی از زمانی که شکل گرفته است بطور مداوم در شرایط افت و خیز قرار گرفته است و هیچگاه تلاش نشده است که یک مدیری در آنجا به کار گمارده شود که از یکساخت و جامعیتی برخوردار باشد. در یک زمانی یک مدیری را به سازمان میراث فرهنگی آوزدند که دارای یک ذهنیت هنری بود که مهندس معمار هم بود و ابراز علاقه ای هم به مسائل باستان شناسی و مرمت آثار می کرد، ولی امکانات محدودی را در اختیارش گذاشتند بعد هم این شخص را به همراه مجموعه ای از افراد خبره و سابقه دار سازمان میراث فرهنگی در جریان تغییرات یوپولسیتهی دولت اخیر از کار برکنار کردند و مدیرانی را از اینجا و آنجا به جای ایشان گماردند. بنابراین مسئله این است که تا شما یک سازمان قدرتمند را برای این مسئله بوجود نیاورید و این سازمان نتواند دستگاه های مدیریتی خودش را در استانهای مختلف به گونه مطلوب مستقر کند، تا نقشه های معین تهیه نشود و تا زمانی که این مسئله با توجه به این تجاوز های بی در پی که صورت می گیرد در قالب یک قانون خیلی محکم، مجدد به تصویب مجلس نرسد و مجازات های سنگینی را برای کسانی که دست به این ویران گری ها می زنند، در نظر نگیرند، باز هم شاهد افتضاحات دیگری نیز خواهیم بود، نظیر کاری که شهرداری اصفهان در مورد حمام خسرو آقا انجام داد و این حمام را از بن برانداخت یا با روابط خاصی مقامات استان اجازه دادند که برج جهان نما ساخته شود و الان هم با قدری تمام در مقابل تمام افراد و سازمانها از جمله یونسکو ایستاده اند تا تخریب لازم را در بخش ارتفاعی ساختمان انجام ندهند. در مورد همین متروی اصفهان و در همان زمانی که مسئله جهان نما مطرح بود، به دلیل اینکه شهردار و استاندار اصفهان یک ذهنیت مثبتی در مورد این مسئله داشتند از من دعوت بعمل آوردند و من به آنجا به عنوان حکم رقیم و در آنجا در مورد کاستن از ارتفاع برج جهان نما با توضیحات مفصلی که برای مجریان دادم، نظر من پذیرفته شد و هم در مورد مسیر مترو به جای آنکه از زیر چهارباغ بگذرد قرار شد از خیابان شمس آبادی بگذرد بدون اینکه از نقطه نظر فنی و مالی تفاوتی را بوجود بیاورد و توضیح دادم که چرا مترو نباید از زیر خیابان چهار باغ عبور بکند و ما باید در آینده نزدیک این شانس را داشته باشیم که در ضلع غربی چهار باغ دست به کاوش هایی بزنیم که آثار باستانی مربوط به دوران صفوی را بیرون بیاوریم، بنابراین وقتی شما متروی اصفهان را از زیر چهارباغ عبور می دهید، تمام برنامه های جانبی قضیه را از بین می برید و دیگر اینکه ما باید در مسیر چهار باغ در جهتی حرکت بکنیم که در آینده بتوانیم به احتمال چهار باغ را با تمهیداتی که در پیش خواهیم گرفت، از حالت سواره رو، دست کم بخش بین زاینده رود و دروازه دولت را خارج کرده و از ترافیک دور بکنیم و وسایل نقلیه خاص مانند نوعی خاص از تراموا را در آنجا بکار بگیریم و آنجا را بعنوان یک منطقه توریستی که از نظر وسایل حمل و نقل دارای ویژگی های خاصی مانند کالسکه های قدیمی و غیره باشد معرفی کنیم. درست در همین موقع می بینیم که آقایان مرکز غنی سازی اورانیوم را در کنار شهر اصفهان برپا می کنند که اگر یک زمانی با این زمزمه هایی که وجود دارد قرار شود تهاجمی به این مراکز اتمی ایران بشود آنوقت ما به دست خودمان شرایطی را بوجود می آوریم که شهری مانند اصفهان را که شما به زحمت می توانید مشابه آنرا در دنیا بیابید در معرض سهمگین ترین خطر ویرانگری قرار می دهید. بنابراین مجموعه این مسائل حکایت از این دارد که در این تصمیم گیری ها نه خرد واقعی و نه شناخت علمی دخالت دارد و نه اصلا اعتقادی به

برخورد می شود و آنرا هم مردم اطلاع می دهند، آنها ناگزیر می شوند در برخی موارد و نه همیشه بگونه ای اجازه دهند که سازمان میراث فرهنگی در حوزه خود وارد عمل بشود. هم اکنون من دو جا را می توانم نام ببرم. یکی نیروگاه برق کازرون که در آنجا آقایان وقتی با بلدوزور کار می کردند، جوانان منطقه که من را می شناسند از طریق تماس تلفنی، نامه و ارسال عکس خبر از تخریب آثار باستانی دادند. با دیدن عکسها متوجه شدم که این آثار متعلق به ساسانیان است که در بین آنها یک کتیبه با بیش از یک متر طول وجود دارد. من به دلیل اینکه هنوز شماری از شاگردان سابقم که کارشناسان بسیار صمیمی هستند و در سازمان میراث فرهنگی مشغول به کار می باشند، با آنها تماس گرفتم و توانستند یک نفر را به آن منطقه بفرستند تا لا اقل آن کتیبه دوران ساسانی را به شیراز ببرند. هم اکنون در منطقه رامهرمز سدهای است با نام "جره" که یک سد قوسی شکل متعلق به دوران ساسانی است که ارزش های بالایی را از لحاظ تکنیک سد سازی دوران باستانی ایران در بر دارد. در برابر آن سدهای را دارند می سازند که اگر روزی این سد را آبیگری کنند، این سد ۱۷۰۰ ساله متعلق به ساسانیان که در طول زمان هیچ چیزی نتوانسته در آن رخنه ایجاد کند بطور کامل در دریاچه پشت سد غرق آب می شود. بنابراین موازین قانونی حکم می کند هر پروژه عمرانی که از اولین گام مطالعاتی، مسیر یابی و مکان یابی همراه با کارشناسان باستان شناسی مورد بررسی قرار گیرد، ولی تا بحال یکبار هم نشده است که ارگانهای مختلف به این مسئله تمکین کنند و بخواهند که چنین روندی انجام بگیرد و بنا براین هیچ قول و قراری پایدار نیست و به دلیل اینکه از یک سو سازمان میراث فرهنگی در عمل قدرت اعمال حاکمیت در حوزه کاری خود را ندارد و از سوی دیگر با تغییراتی که در این دولت بوجود آمده است و گروه پر شماری از کارشناسان با ارزش سازمان میراث فرهنگی را برکنار، بازنشسته و یا پراکنده کرده اند و افراد نا آگاه با گستره علم باستان شناسی و حفظ میراث فرهنگی بیشتر پست های کلیدی را در اختیار گرفته اند، انتظاری نمی رود که آنها حداکثر در حد یک اعتراض ساده، مانند ارسال یک نامه در قبال لطمه به میراث فرهنگی موضع قاطع و بازدارنده ای را اتخاذ کنند.

میرصیافی: همانطور که می دانید، پروژه احداث سد سیوند تنها طرح عمرانی نیست که در نهایت منجر به صدمه دیدن آثار باستانی خواهد شد. علاوه بر مواردی که شما نام بردید پروژه عبور مترو از منطقه چهار باغ اصفهان، ساخت پل روگذر در عرصه و حریم درجه یک شکارگاه خسرو پرویز در کرمانشاه، نمونه هایی دیگری از این دست هستند. آیا وقوع چنین جریاناتی تصادفی و بدون نیت خاص و تنها به دلیل عدم آگاهی است یا سوء نیتی در کار است؟ دکتر ورجاوند: من فکر میکنم در پاسخ های گذشته به این مسئله به گونه ای اشاره کردم. دستگاهی که مسئولیت پاسداری از میراث فرهنگی ایران را بر عهده دارد، جز تعدادی از اعضای کادر این سازمان که باید به امور اداری و مالی بپردازند، تمامی افرادی که در این سازمان کار می کنند باید باستان شناسانی باشند که اگر می خواهند به عنوان مدیر در آنجا کار کنند حداقل باید دوره کارشناسی ارشد را گذرانده باشند و بهتر اینکه دوره دکتری خود را گذرانده باشند و افزون بر داشتن چنین مدرکی توانسته باشند در حدود سه تا پنج سال در کارهای اجرایی تجربه اندوخته باشند و یا مهندسان معماری که دارای مدرک تخصصی مرمت بافت و بناهای تاریخی باشند که ما برای این کار در قبل از انقلاب آمدم دو دوره تکمیلی برای باستان شناسان و مهندسان معمار تشکیل دادیم که بانی آن من بودم و این افراد یک دوره فشرده و سنگین یک ساله را گذراندند که می شود گفت معتبر ترین کارشناسان و معمارانی که طی سالیان دراز توانستند بار سازمان میراث را به دوش بکشند و هنوز چند تنی از آنان به گونه ای در این سازمان باقی مانده اند، نشان دادند که به اعتبار توانمندی هایشان قادر هستند در حوزه مدیریتی خودشان نسبت به اقدامات دیگر سازمانها پیشی بگیرند. سالها فریاد زدیم که باید برای تمام

ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند و به این ترتیب با توجه به رسانه هایی که امروزه دیگر دسترسی به آنها در سراسر ایران به نسبت کار آسانی است، بتوانند برنامه های سنگینی را ساماندهی بکنند و آنرا منعکس بکنند و بگونه ای مستمر در طول هفته هر ویرانی را که در هر بخشی از میراث فرهنگی ایران صورت میگیرد بتوانند سریع بازتاب بدهند و بدین ترتیب بپذیرند که در کنار برخی اقدامات سیاسی، یک ملتی با ویژگی های ملت ایران اگر نتواند در بعد مسائل فرهنگی و تاریخی به یک خودشناسی آگاهانه دسترسی پیدا کند و هویت درخشان گذشته اش را چنان که باید نشناسد و از نمود های این هویت نتواند پاسداری کند بدون تردید در زمینه ایجاد تحولات سیاسی در جامعه ایران توفیق چندانی نصیب کسی نخواهد شد .

میرصیافی: سپاسگزارم.

حفظ میراث فرهنگی در گروهی از صاحبان قدرت وجود دارد . بنابراین میراث فرهنگی در ایران ستم رسیده ترین بخش از جامعه ایران است . این همه در حالی است که حفظ میراث های فرهنگی در بازتاب دادن ارزش هویت های ایرانی در دوران های مختلف، می تواند نسل جوان ایران را به دستاوردهای ارزشمند نیاکان خویش آگاهی بدهد و آنها را در جهت پاسداری از کل این میراث تشویق بکند و فضایی را بوجود بیاورد که ملت ایران بتواند از این آثار باقی مانده از میراث های ارزشمند گذشته اش در بعد تعالی بخشیدن و پویا ساختن فرهنگ خود از یک سو و در بعد ایجاد همبستگی و وحدت ملی از سوی دیگر بهره های کلان ببرد . و بالاخره از یاد نبریم که اگر قرار شود روزی کار جهانگردی در ایران رونق بگیرد و به آسانی بتوانیم درآمد این صنعت را جایگزین فروش نفت خام کنیم، بیش از هر چیز عامل جذب جهانگردان همین میراث های فرهنگی و باقی مانده و باقی بافت های قدیمی شهر ها و روستاهای کهن این سرزمین هستند .

میرصیافی : یکی از دلایلی که ما تا کنون نتوانسته ایم به نتیجه مطلوب برسیم این بوده است که اعتراضات و اقدامات فراوان ما فاقد یک سازماندهی مطلوب بوده است . بعنوان آخرین پرسش می خواهم بدانم که به نظر شما سازمان های غیر دولتی درگیر این جریان ، کارشناسان خبره و در کل مردم ایران به چه صورتی می توانند پیام روشن ، صریح و جامعی را برای مسئولان و دولتمردان ارسال کنند که دیگر نه از این اتفاقات رخ بدهد و نه حتی فکر آن به سر کسی بزند ؟

دکتر ورجاوند : این مطلب را بارها گفته ام . ما تا نتوانیم یک انجمن قدرتمند در کشور بوجود بیاوریم که این انجمن قدرتمند از موقعیت ها و امکانات مناسب برخوردار باشد کار به جایی نخواهد رسید . عمده مسئله عبارت از این است که سالیان دراز من در صدد ایجاد انجمن گسترده ای با نام انجمن پژوهش و پاسداری از میراث فرهنگی ایران و کوشش برای بازشناسی ارزشهای تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران بوده ام ولی با ضوابطی که در دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی این مملکت وجود دارد امکان ایجاد چنین مجموعه ای که بتواند مکان داشته باشد ، سالن داشته باشد و دارای نشریه باشد و بتواند با برگزاری کنفرانس های تخصصی ، نیمه تخصصی و عمومی بتواند نظر مردم را جلب کند و بتواند روی این مسائل به گونه ای معقول مانور بکند و اهمیت این مسئله را برای جامعه بازتاب بدهد، را از ما گرفته اند و نتوانسته ایم راه به جایی ببریم . حتی در وضع موجود که چند سازمان غیر دولتی فرهنگی در تهران و دیگر شهرستانها وجود دارد آنقدر اینها در زیر تنگنا قرار دارند که حتی از سخنرانی کردن افرادی مانند من که به هر حال مورد توجه نسل جوان هستیم و شناخت و آگاهی ما را نسبت به این مسائل می دانند به شدت ممانعت می شود . بنابراین من در وضع موجود شرایط مناسبی را برای ایجاد یک کانون قدرتمندی که بتواند با نیرومندی به میدان بیاید نمی بینم . همین سه ماه پیش قرار بر این بود که در اصفهان برای مسئله مترو و عمارت جهان نما، یک نشست چند صد نفره در یک تالاری سامان داده بشود و از من هم دعوت شده بود که برای ایراد سخنرانی در آنجا حضور پیدا کنم ولی تنها دو روز مانده به اجرای این برنامه، همه چیز را بر هم زدند . حتی در حال حاضر در یکی از شهرهای اقماری کوچک اصفهان بنام گز، یکی از شخصیت های شناخته شده فرهنگی ایران به نام آقای ادیب برومند می خواستند بزرگداشت دو شاعر قرن هفتم و هشتم را برپا کنند که اجازه این کار را به ایشان ندادند . بنابراین مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردهمایی و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند . بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخرج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی

کسانی که تاریخ خود را نمی شناسند، خود را نمی شناسند

انجمن فرهنگی ایران زمین در نظر دارد کارگاه تاریخ خود را برای علاقه مندانی که مایل به آشنایی گذرا با تاریخ ایران می باشند در قالب دوره آموزشی تدوین شده ای برگزار نماید.

کارگاه تاریخ ایران شامل سه دوره :

- ۱- پیش از تاریخ تا پایان شاهنشاهی هخامنشی
- ۲- سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان و ورود اسلام به ایران
- ۳- دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار

علاقه مندانی که مایل به شرکت در این دوره ها می باشند می توانند به تارنمای: www.afraz.ir مراجعه نمایند و با فرستادن رایانامه (ایمیل) در بخش تماس با ما تارنمای انجمن برای ثبت نام اقدام نمایند و یا با رایانامه (ایمیل): koroosh@gmail.com اقدام به ثبت نام نمایند. شایان ذکر است به دلیل محدودیت در ثبت نام اولویت با کسانی می باشد که زودتر اقدام به ثبت نام نمایند.